



صنعت نفت، پیشران توسعه اقتصادی کشور

با نگاهی به برنامه پنجم توسعه، سند چشم انداز بیست ساله و استراتژی کشورهای صنعتی



نگاه نو به سند چشم انداز ۲۰ ساله کشور در صنعت نفت، در نوع خود تبیین کننده «راهبردی نوین» در عرصه نفت کشور است. نگرشی که جانمایه آن خروج از نگاه «بنگاه اقتصادی» به صنعت نفت و حرکت در جهت تفکر «پیشران توسعه اقتصادی» کشور است.

از این رو روابط عمومی شرکت ملی نفت ایران بر آن شد تا با تلفیقی از «سند چشم انداز آینده صنعت نفت در افق ۱۴۰۴» و «برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور» به تبیین دقیق تر مبانی نظری و کاربردی استراتژی «نفت، پیشران توسعه اقتصادی کشور» پرداخته و مسئولیت نیروی انسانی شرکت ملی نفت ایران را در تلاش مضاعف برای دستیابی به اهداف عالی نظام مقدس جمهوری اسلامی نمایان سازد.

منابع هیدروکربوری یکی از سرمایه‌های زاینده کشور بوده و صنعت نفت به‌عنوان متولی این سرمایه‌خدادادی، بخش پیشتاز در توسعه اقتصاد ملی محسوب می‌شود. این بخش ایجاد کننده فرصت‌های جدید برای مدیران کلان کشور به‌منظور تنوع بخشی به اقتصاد ملی است و بهره‌برداری کامل از ظرفیت‌های صنعت نفت، ارتقا دهنده سطح امنیت ملی و یکی از مهم‌ترین عوامل در افزایش توان راهبردی (استراتژیک) کشور خواهد بود. بررسی ساختار صنعت نفت در

کشورهای مختلف جهان، دو الگوی مختلف توسعه را نشان می‌دهد. این دو عبارتند از: الگوی «منبع پایه» و الگوی «دانش پایه». الگوی نخست عمدتاً بر اساس نگاه بنگاه اقتصادی به صنعت نفت بوده و بر بهره‌برداری از مخازن نفت و گاز به‌وسیله تکنولوژی وارداتی و سرمایه خارجی متمرکز است. هدف اصلی از این الگو، حداکثرسازی درآمد ناشی از فروش نفت خام و گاز طبیعی است. اما الگوی دوم، بر ایجاد قابلیت‌ها و زیرساخت‌های تکنولوژیکی به منظور بهره‌برداری بهینه از مخازن نفت و گاز و تبدیل این منابع طبیعی به محصولاتی با ارزش افزوده بالاتر و همچنین فروش تکنولوژی و فن‌آوری استوار است.

متأسفانه الگوی غالب صنعت نفت کشور از ابتدا تا کنون، الگوی فروش منابع طبیعی با تکیه بر دانش، تکنولوژی و سرمایه خارجی و به عبارت دیگر الگوی بهره‌برداری بوده است. این الگو تا کنون موانعی را در مسیر توسعه پایدار این صنعت ایجاد کرده است و با توجه به روند فعلی می‌تواند به‌عنوان یکی از تهدیدات اساسی آینده در سطح این صنعت قلمداد شود.

مسأله مهم چشم انداز بیست‌ساله صنعت نفت و برنامه‌های راهبردی متعاقب آن، جستجوی راهی برای تغییر سنت یا پارادایمی است که کشور ایران در

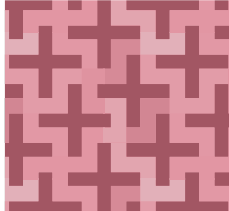
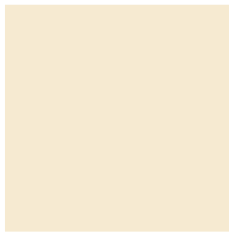
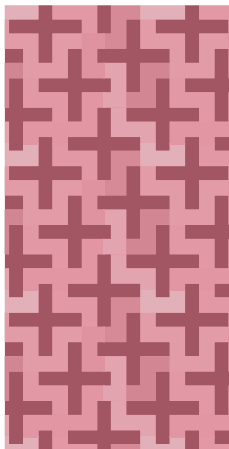
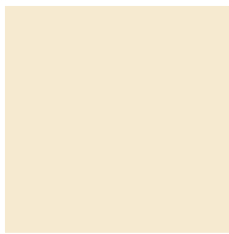
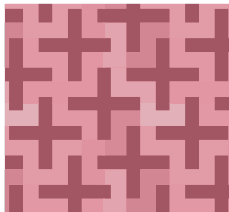
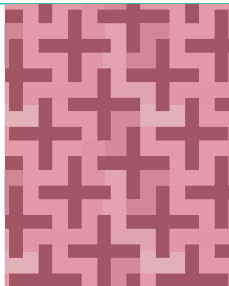


آن بهره‌بردار فن‌آوری‌ها و توانمندی‌های علمی و فنی وارداتی بوده و تنها فروشنده منابع خام است. به بیان دیگر ارزیابی فن‌آوری صنعت نفت و چگونگی تغییر جهت فرآیندهای این صنعت از «منبع پایه» به «دانش پایه» از مباحث اساسی آینده صنعت نفت خواهد بود.

از این رو در فضای پیچیده کنونی که هم سرعت تغییرات در آن بسیار است و هم تعداد متغیرهای درونی و بیرونی مؤثر بر فعالیت‌ها رو به فزونی گذاشته، تعریف مجدد اهداف و تبیین دقیق و مدبرانه راه‌های مختلف دسترسی به آن‌ها، اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد.

در فضای پر رقابت امروز، تنها مجموعه‌ای امکان ادامه بقا را خواهد داشت که علاوه بر دارا بودن سازه‌ها و کارهای لازم برای آگاهی سریع از تغییرات، توان پاسخ‌گویی و واکنش سریع به آن‌ها را نیز دارا باشد. چرا که در غیر این صورت امکان زیادی برای بقا در عرصه رقابت وجود نخواهد داشت.

در این میان بخش‌ها و فعالیت‌هایی مانند صنعت نفت به‌دلیل تماس دایمی با مصرف‌کنندگان و فشار غالب تحولات محیطی و نقش آن در اقتصاد کشور، از درجه حساسیت بسیار بالاتری بر خوردارند. بنابراین لازم است که مدیران ارشد، در پی تمهیدات اندیشمندانه و بلند مدت برای برآوردن انتظارات تمامی ذی‌نفعان استراتژیک خود بوده و با داشتن چشم‌انداز، استراتژی و نظام برنامه‌ریزی استراتژیک، برای دستیابی موفقیت‌آمیز به اهداف کمی و کیفی تعریف شده در افق چشم‌اندازی مطلوب، تلاش نمایند. چشم‌اندازی که با ارایه تصویری از آینده مطلوب، نتایج حاصل از آن، مثبت و متناسب با امکانات، قابلیت‌ها و منابع باشد و به توسعه پایدار بیانجامد. در چنین شرایطی است که باید همکاران



محترم در همه سطوح، با آگاهی از نقش کارآمد و خطیر صنعت نفت به‌عنوان "پیشران اقتصاد کشور" و با آگاهی کامل از مسئولیت‌های محوله و مؤثر خود، در صدد آن باشند تا پرچم پیشرفت و تعالی صنعت نفت را در عرصه‌های بین‌المللی به اهتزاز درآورند.

اکنون پیشرفت متوازن و توسعه پایدار نفت، اجتناب‌ناپذیر و افزایش بهره‌وری و رشد فعالیت‌های توسعه‌ای متوقف ناشدنی است. فرآیندی که در آن جهت‌گیری سرمایه‌گذاری و تکنولوژی، اختصاص منابع و توسعه و عملکرد مؤسسات به گونه‌ای باشد که بدون به مخاطره انداختن ظرفیت منابع طبیعی برای جذب آثار بیش‌تر و بدون گرفتن توان نسل‌های آینده، برای رفع نیازها و خواسته‌های نسل امروز تأمین کند. این یک هدف متعالی است که تحقق آن تنها با ارتقاء مستمر دانش و مهارت‌های تخصصی و استفاده از منابع انسانی مومن، کارآمد، خلاق و مسئولیت‌پذیر میسر است. حال که صنعت نفت کشور با جانمایه‌ها و تجارب گرانبها، رو به سوی آینده روشن‌تر و باشکوه‌تر نهاده، باید با عزم و تلاش فراگیر و مضاعف، دوشادوش همه احاد ملت بزرگوار ایران، همسو با اهداف سند چشم‌انداز توسعه بیست‌ساله و برنامه پنجم توسعه به هموارسازی راهی پرداخت که کاروان توسعه و پیشرفت ایران اسلامی در عرصه‌های بین‌المللی قصد عبور از آن را دارد و صنعت نفت به‌عنوان "پیشران توسعه اقتصادی" نقش مهمی در آن ایفا می‌نماید.

برآوردها حکایت از آن دارد که در بیست سال آینده، به‌طور متوسط، تقاضا برای نفت سالانه ۱/۷ درصد افزایش خواهد یافت. این در حالی است که رشد تقاضا برای گاز طبیعی در این دوره سریع‌تر بوده و معادل ۳ درصد است

در نتیجه این روند، در بیست سال آینده در سبد مصرف جهانی، گاز طبیعی جایگاه دوم را بعد از نفت به خود اختصاص داده و زغال سنگ از این منظر در رده سوم قرار خواهد گرفت. همچنین در طی این دوره، سهم نفت در مصرف کل حامل‌های انرژی اولیه کاهش یافته و از ۴۰ درصد کنونی به حدود ۳۶ درصد در سال ۲۰۲۵ تنزل خواهد کرد و سهم گاز طبیعی از ۲۳ درصد در سال ۲۰۰۰ به ۳۰ درصد در سال ۲۰۲۵ خواهد رسید. این امر بیانگر پیشی گرفتن نرخ تولید و تقاضای گاز طبیعی نسبت به تولید و تقاضای جهانی نفت‌خام در دو دهه آینده است.

در خصوص وضع ایران، پیش‌بینی می‌شود که اگر مصرف نفت‌خام به عنوان ماده انرژی زا در کشور به‌ترتیبی ادامه یابد که تا پایان سال ۱۳۸۲ برقرار بود، هر ساله از میزان صادرات آن کاسته خواهد شد.

این وضع را می‌توان با بهره‌گیری از اکتشاف، فن‌آوری‌های جدید برای بازدهی بیش‌تر ذخایر نفتی، بهینه کردن مصرف انرژی در تمامی بخش‌ها و جایگزینی مصرف فرآورده‌های نفتی در تمامی موارد ممکن به‌وسیله گاز طبیعی یا انرژی‌های نو، به‌طور مؤثری تغییر داد و از نفت‌خام و گاز طبیعی به عنوان ماده اولیه پتروشیمی که ارزش افزوده بالاتری دارد، استفاده نمود. همچنین در صورتی که بخواهیم برابر برنامه پنجم توسعه صنعت نفت، علاوه بر تولید صیانتی، به تولید روزانه ۵ میلیون و ۱۵۰ هزار بشکه نفت دست یابیم، در دو بخش پایین دستی و بالادستی به ۱۹۶ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری نیاز است؛ که این موضوع برنامه‌ریزی مؤثری را می‌طلبد.

از سوی دیگر باید "توسعه میدان‌های مشترک" را اولویت اول کاری در صنعت نفت بر شمرده و در شرایطی که رقبای از میداین مشترک بهره‌برداری می‌کنند، توسعه این میدان‌ها را در بخش خشکی و

دریا با سرعت بیش‌تری به سرانجام رساند. تداوم موفقیت در صنعت نفت، مستلزم تحقق ارتقاء توان عملیاتی، بهره‌گیری بهینه از سرمایه‌ها و منابع داخلی و خارجی، اتخاذ مناسب‌ترین سیاست‌ها و روش‌های اجرایی، اشاعه فرهنگ اصلاح الگوی مصرف حامل‌های انرژی و اعمال مدیریت و کنترل منطقی آن، افزایش بهره‌وری، ارتقاء دانش و مهارت‌های فردی، آرایه خدمات با کیفیت مناسب به احاد جامعه، حضور فعال در عرصه‌های بین‌المللی و شفافیت در عملکرد و تسریع در ارتقای توان عملیاتی است. اصولی که باید با بسیج تمامی ظرفیت‌های صنعتی و اقتصادی کشور و با تشکیل کنسرسیوم‌های توانمند از بانک‌های داخلی و جذب سرمایه‌گذاری خارجی همراه شود.

نکته مهم دیگر در تحقق دکترین "نفت، پیشران توسعه اقتصادی کشور"، افزایش قابلیت‌های تکنولوژیک در این صنعت است. این امر با توجه به تعریف تکنولوژی به معنای قابلیت نرم‌افزاری، روش‌های دستیابی به آن طیفی را تشکیل می‌دهد که یک سوی آن انتقال تکنولوژی خارجی و سوی دیگر آن بومی‌سازی تکنولوژی در مراکز تحقیقاتی است.

نگاهی به وضعیت تکنولوژی صنعت نفت کشور به‌خوبی نشان می‌دهد که به‌رغم پیشرفت‌های پس از انقلاب اسلامی و ورود به عرصه تعمیر و نگهداری، ساخت و تولید و به‌طور محدودتر به عرصه طراحی و مهندسی، کامکان وزن عمده توانمندی تکنولوژیکی صنعت نفت ایران در حوزه بهره‌برداری است و الگوی غالب این صنعت، بر استفاده از تکنولوژی دیگران استوار است. از این روست که بیش‌ترین تأکید دکتر میرکاظمی در این روزها بر سرمایه‌گذاری و توجه بیش‌تر به مراکز دانشگاهی و تحقیق و توسعه در بخش‌های مختلف صنعت نفت است.

مدیر مسئول